

درخواست آزادی از زندان در عید غدیر خم

مرد جوانی که به خاطر اختلاف قدیمی، شریک کاری اش را به قتل رسانده بود، پس از جلب رضایت اولیای دم از جنبه عمومی جرم محاکمه شد. این مرد مدعی شد که در زندان آموزش قرآن دیده و به همین خاطر از قضاات جنایی خواست تا عید غدیر خم او را آزاد کنند.

به گزارش ایسکانیوز به نقل از شهروند، ۷ سال پیش بود که مأموران پلیس در جریان وقوع یک قتل قرار گرفتند. آنها بلافاصله موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و با حضور در محل به تحقیق در این رابطه پرداختند. با حضور مأموران مشخص شد که مرد جوانی با ضربات چاقو به قتل رسیده است. بنابراین تحقیقات در این رابطه آغاز شد و در نهایت مأموران متوجه اختلاف مقتول با شریک کاری اش به نام فرزانه شدند. به همین دلیل آنها فرزانه را ردیابی کردند و در نهایت یک سال بعد او را دستگیر کردند و این مرد ۳۰ ساله نیز به قتل دوستش اعتراف کرد. در این میان مأموران پی به ارتباط پنهانی فرزانه با همسر مقتول بردند و در این باره او را مورد بازجویی قرار دادند، ولی این مرد منکر شد. زن جوان نیز منکر این ارتباط شد و به مأموران گفت: شوهرم و فرزانه از سالها قبل با هم دوست بودند و شریک کاری بودند. در این میان به خاطر رفت و آمدهای زیادی که با هم داشتیم، فرزانه به من ابراز علاقه کرده بود، اما ما هرگز با هم ارتباط نداشتیم. حتی یکبار فرزانه به من گفته بود که برای رسیدن به من باید شوهرم را از میان بردارد، ولی من مخالفت کردم.

با این اظهارات کیفرخواست پرونده صادر شد و برای رسیدگی به شعبه ۱۱۳ سابق دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. فرزانه در این شعبه به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد. این حکم در دیوانعالی کشور نیز مهر تأیید خورد و به مرحله اجرا درآمده بود که فرزانه با پرداخت دیه توانست رضایت اولیای دم را جلب کند. به این ترتیب او از قصاص نجات یافت و صبح دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری از جنبه عمومی جرم محاکمه شد.

در این جلسه رسیدگی نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و برای متهم از جنبه عمومی جرم خواستار مجازات شد.

در ادامه متهم در جایگاه ایستاد و به هیأت قضائی گفت: من و فرزانه با هم دوست بودیم و در یک کارگاه چوببری کار می کردیم. چند وقتی می شد که با هم شریک بودیم، اما از چند وقت پیش از حادثه با هم اختلاف مالی پیدا کرده بودیم. همیشه سر این اختلاف مالی با هم درگیر بودیم که در نهایت روز حادثه، وقتی بحث مالی پیش آمد، باز هم با هم درگیر شدیم. در میان این درگیری من چاقو در دستم بود که ناگهان ناخواسته به گردن مقتول خورد. من واقعا قصد کشتن او را نداشتم. خیلی ترسیدم و وقتی دیدم خونریزی گردن او شدید است و کار از کار گذشته، ترسیدم و فرار کردم. یک سال زندگی مخفیانه داشتم، اما از این وضع خسته شدم و برای دیدن خانواده ام به تهران برگشتم که بازداشت شدم.

او در ادامه صحبت هایش گفت: قبول دارم به همسر مقتول علاقه مند شده بودم اما ما هیچ وقت با هم ارتباط نداشتیم. انگیزه من هم از کشتن مقتول تنها اختلاف مالی بود.

متهم درباره جلب رضایت اولیای دم به قضاات گفت: ۱۳۰ میلیون تومان پول و یک ملک به ارزش ۲۶۰ میلیون تومان به اولیای دم پرداختم و توانستم با سختی زیاد از آنها رضایت بگیرم. حالا قصد دارم زندگی تازه ای را شروع کنم. در مدت ۷ ساله که در زندان هستم، در کلاس های قرآن و اخلاق شرکت کرده ام و به طور کل رفتارم تغییر کرده است. می خواهم زندگی خوبی داشته باشم. برای همین از قضاات دادگاه می خواهم در فاصله بین دو عید قربان و غدیر خم حکم آزادی من را بدهند تا پیش خانواده ام برگردم.

در پایان پس از صحبت های متهم هیأت قضائی وارد شور شدند تا رأی نهایی در این باره را صادر کنند.

